

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشکده علوم انسانی

گروه علوم تربیتی

پایان نامه جهت دریافت درجه کارشناسی ارشد در رشته علوم تربیتی

(گرایش تاریخ و فلسفه تعلیم و تربیت)

عنوان :

تبیین و تحلیل مبانی انسان شناسی اسلامی تحول در علوم انسانی و دلالت های تربیتی آن .

استاد راهنما :

دکتر اکبر رهنما

استاد مشاور :

دکتر مهدی سبحانی نژاد


پژوهشگر :

هادی انجمن سرخابی

بهمن ماه 1393



دانشگاه شاهرود

شماره: تاریخ:	اظهاری نامه دانشجو	 دانشگاه شاهد
------------------	--------------------	---

اینجانب هادی انجمن سرخابی دانشجوی کارشناسی ارشد رشته علوم تربیتی گرایش تاریخ و فلسفه تعلیم و تربیت دانشکده علوم انسانی دانشگاه شاهد، گواهی می‌دهم که پایان‌نامه تدوین شده حاضر با عنوان: **" تبیین و تحلیل مبانی انسان‌شناسی اسلامی تحول در علوم انسانی و دلالت‌های تربیتی آن "** به راهنمایی استاد محترم جناب آقای دکتر اکبر رهنما توسط شخص اینجانب انجام و صحت و اصالت مطالب تدوین شده در آن، مورد تأیید است و چنانچه هر زمان، دانشگاه کسب اطلاع کند که گزارش پایان‌نامه حاضر صحت و اصالت لازم را نداشته، دانشگاه حق دارد، مدرک تحصیلی اینجانب را مسترد و ابطال نماید؛ همچنین اعلام می‌دارد در صورت بهره‌گیری از منابع مختلف شامل: گزارش‌های تحقیقاتی، رساله، پایان‌نامه، کتاب، مقالات تخصصی و غیره، به منبع مورد استفاده و پدید آورنده آن به طور دقیق ارجاع داده شده و نیز مطالب مندرج در پایان‌نامه حاضر تاکنون برای دریافت هیچ نوع مدرک یا امتیازی توسط اینجانب و یا سایر افراد به هیچ کجا ارائه نشده است. در تدوین متن پایان‌نامه حاضر، چارچوب (فرمت) مصوب تدوین گزارش‌های پژوهشی تحصیلات تکمیلی دانشگاه شاهد به طور کامل مراعات شده و نهایتاً این که، کلیه حقوق مادی ناشی از گزارش پایان‌نامه حاضر، متعلق به دانشگاه شاهد می‌باشد.

نام و نام خانوادگی دانشجو (دست‌نویس): هادی انجمن سرخابی

امضاء دانشجو:

تاریخ: ۱۳۹۴، ۰۳، ۰۵

بسمه تعالی



دانشگاه شاپور

معاونت آموزشی و تحصیلات تکمیلی
دفتر تحصیلات تکمیلی

تاریخ:.....

صور تجلسه دفاع پایان نامه کارشناسی ارشد

جلسه دفاع پایان نامه کارشناسی ارشد آقای **هادی انجمن سرخاب** دانشجوی کارشناسی ارشد رشته **تاریخ و فلسفه آموزش و پرورش** به شماره دانشجویی ۹۱۷۵۴۱۰۰۱ به ارزش ۴ واحد، رأس ساعت ۹ روز یکشنبه مورخ ۹۳/۱۱/۵ در محل تالار شورای دانشکده علوم انسانی دانشگاه شاهد،

تحت عنوان: **" تبیین و تحلیل مبانی انسان شناسی اسلامی تحول در علوم انسانی ودلالات های**

تربیتی آن "

تشکیل گردید.

کمیته داوری پایان نامه کارشناسی ارشد پس از استماع دفاعیات و طرح پرسش های لازم در زمینه علمی و تحقیقاتی مرتبط با پایان نامه نامبرده، ارزشیابی نهایی خود را به شرح ذیل، اعلام نمودند:

رساله نامبرده با نمره ۱۴... (به عدد) و ... (به حروف) و با درجه عالی ... (به حروف) وارد تایید قرار گرفت/ نمره گرفت.

امتیازات، طبق ماده ۲۰ آیین نامه آموزشی دوره کارشناسی ارشد، مصوب جلسه ۷۱۴ مورخ ۸۸/۱/۱۵ وزارت علوم، تحقیقات و فناوری:
عالی: ۱۹ تا ۲۰، بسیار خوب: ۱۸/۹۹ تا ۱۸، خوب: ۱۷/۹۹ تا ۱۶، قابل قبول: ۱۵/۹۹ تا ۱۴، غیر قابل قبول: نمره کمتر از ۱۴

امضاء	نام دانشگاه	مرتبۀ علمی	نام و نام خانوادگی	عضای کمیته داوری پایان نامه کارشناسی ارشد
	شاهد	دکتر	دکتر اکبر رهنما	استاد راهنمای اول
				استاد راهنمای دوم (در صورت وجود)
	شاهد		دکتر مهدی سبحانی نژاد	استاد مشاور اول
				استاد مشاور دوم (در صورت وجود)
	شاهد	دکتر	دکتر محسن فرمبختی فراهانی	داور داخلی
				داور داخلی دوم (در صورت وجود)
			دکتر سبحانی	داور خارجی
				داور خارجی دوم (در صورت وجود)
	شاهد	دکتر	دکتر احمد فروزانفر	نماینده تحصیلات تکمیلی (بدون نمره)

توضیحات ناظر تحصیلات تکمیلی:

جلسه دفاعی در روز یکشنبه مورخ ۱۳۹۳/۱۱/۵ برگزار شد و در این جلسه با حضور اعضای کمیته داوری و داوران خارجی و داخلی و نماینده تحصیلات تکمیلی در خصوص دفاعیه آقای هادی انجمن سرخاب و پاسخگویی به پرسشهای مطرح شده بحث و تبادل نظر گردید و در نهایت با نمره ۱۴ (به عدد) و عالی (به حروف) رساله نامبرده با نمره ۱۴ (به عدد) و عالی (به حروف) وارد تایید قرار گرفت.

نام و نام خانوادگی ناظر تحصیلات تکمیلی: **مهدی فرزین** تاریخ: **۹۳/۱۱/۵** امضاء: **مهدی فرزین**

بهرتسای

نمره فوق از (۱۸) هیجده (۱۹) نوزده به سمت اراکین محترم
از طرف معاونت تحصیلات تکمیلی در خصوص تاییدیه
نماینده تحصیلات تکمیلی

نقدیم به حضرت
حق که سرچشمه
ی معرفت
راستین و
آموزگار نخستین
است.

تقدیر و قدردانی :

سپاس بیشمار از ساحت ربوبی حق که توفیق انجام این پژوهش را به این بنده ی کمترین عنایت نمود؛ و از زحمات و راهنمایی های آقای دکتر اکبر رهنما ، استاد راهنما و همچنین زحمات و همکاری های آقای دکتر مهدی سبحانی نژاد به عنوان استاد مشاور ، و تمامی کسانی که این بنده ی حقیر را در به ثمر رسیدن این پژوهش یاری رساندند ، قدردانی می نمایم . همچنین لازم است از کمک ها و یاری های بی دریغ مادر گرامیم و همراهی همسر عزیزم تقدیر و تشکر به عمل آورم .

چکیده :

پژوهش حاضر با هدف تبیین مبانی انسان‌شناسی اسلامی تحول در علوم انسانی و استخراج و استنتاج اصول تربیتی آن تدوین گردیده است. از آن جا که انسان در نگاه و اندیشه‌ی اسلامی دارای جایگاه ویژه و ممتازی است و از سوی دیگر موضوع و کانون مباحث در علوم انسانی، انسان و مقولات مرتبط با او می‌باشد؛ لازم است تا ضمن توجه جدی به این مسئله، تأثیر آن بر هر یک از حوزه‌های مطرح در علوم انسانی مورد بررسی قرار گیرد. یکی از حوزه‌های کلیدی و اساسی در علوم انسانی، رشته‌ی فلسفه‌ی تعلیم و تربیت می‌باشد که ارتباط تنگاتنگی با مبحث انسان‌شناسی داشته و ضروری است با توجه به مبانی اندیشه‌ی اسلامی و فرهنگ ایرانی، بازنگری اساسی در آن صورت پذیرد. یکی از این اقدامات، تدوین اصول براساس مبانی انسان‌شناسی اسلامی می‌باشد که در این پژوهش سعی شده به آن‌ها اشاره نمود. دلالت‌های تربیتی (اصول) به دست آمده عبارتند از: 1. جامعیت و لایتناهی بودن انسان 2. تشکیکی و تدریجی بودن تعلیم و تربیت 3. پایان ناپذیری 4. خودشناسی 5. کرامت و فضیلت 6. تقدم تزکیه بر تعلیم 7. عزم و اراده‌ی مترئی 8. غفلت‌گریزی 9. مسئولیت‌پذیری و تکلیف 10. تأثیر متقابل اندیشه و رفتار بر یکدیگر 11. پیرایش محیط 12. رعایت تفاوت‌های فردی. پژوهش حاضر از نوع کیفی و روش مورد استفاده در آن، روش توصیفی - تحلیلی می‌باشد.

کلید واژه ها : انسان‌شناسی، تحول، علوم انسانی، علوم انسانی اسلامی، دلالت‌های تربیتی.

فهرست مطالب

عنوان صفحه

1.....	فصل اول (کلیات پژوهش)
2.....	مقدمه
4.....	بیان مسئله
7.....	اهمیت و ضرورت تحقیق
7.....	اهمیت نظری
7.....	اهمیت عملی
8.....	اهداف پژوهش
8.....	سؤال های پژوهش
9.....	تعریف های عملیاتی متغیرهای پژوهش
12.....	فصل دوم (مبانی نظری و پیشینه پژوهش)
13.....	تحول در علوم انسانی
14.....	چرای تحول در علوم انسانی
18.....	چگونگی فرایند تحول در علوم انسانی
24.....	آسیب های روش شناختی و محتوایی در امر تحول علوم انسانی
30.....	انسان و حقیقت او
31.....	حقیقت نفس و مراتب آن
34.....	طبیعت و فطرت در انسان
36.....	کرامت و جایگاه انسان
38.....	جایگاه عقل در حیات حقیقی انسان
39.....	اراده و اختیار در انسان

41.....	کمال نهایی انسان
43.....	عوامل رشد و تکامل انسان
44.....	عوامل بحران زا در هویت انسان
47.....	انسان از نگاه غرب معاصر (اومانیزم)
51.....	پیشینه ی پژوهش
61.....	فصل سوم (روش پژوهش)
64.....	فصل چهارم (دستاوردهای پژوهش)
65.....	دلایل ضرورت تحول در علوم انسانی
70.....	نگاه اسلامی به انسان و ابعاد مطرح در آن
70	روح
71.....	نفس
71.....	طبیعت و سرشت آدمی
72	فطرت
73.....	عقل و خرد
78.....	آزادی و اختیار
81.....	کمال نهایی و غایت انسان
84.....	دلالت های تربیتی (اصول) انسان شناسی اسلامی
84.....	اصل جامعیت و لایتناهی بودن انسان
85.....	اصل تشکیکی و تدریجی بودن تربیت
86.....	اصل پایان ناپذیری
87.....	اصل خودشناسی
89.....	اصل کرامت و فضیلت
90.....	اصل تقدّم تزکیه بر تعلیم
92.....	اصل عزم و اراده

93.....	اصل غفلت گریزی
95.....	اصل مسئولیت و تکلیف پذیری
97.....	اصل تأثیر متقابل اندیشه و رفتار (باطن و ظاهر) بر یکدیگر
99.....	اصل پیرایش محیط
101.....	اصل رعایت تفاوت های فردی
105.....	فصل پنجم (بحث و نتیجه گیری)
112.....	پیشنهادهای پژوهش
113.....	فهرست منابع

فهرست اشکال و جداول

28.....	شکل شماره 1
30.....	شکل شماره 2
35.....	شکل شماره 3
39.....	شکل شماره 4
64.....	شکل شماره 5
81.....	شکل شماره 6
104 _ 103.....	جدول شماره 1

فصل اول

(کلیات تحقیق)

مقدمه

موضوع علوم انسانی و محتواهای مطرح در آن، یکی از مباحث مهم و اساسی فضای جامعه‌ی ما می‌باشد. به عبارتی بعد از انقلاب اسلامی ایران، یکی از حوزه‌هایی که باید متناسب با آرمان‌های انقلاب، دچار تحول و دگرگونی قرار می‌گرفت، دانشگاه و بطور اخص علوم انسانی می‌بود. در همین زمینه به نمونه از سخنان رهبر کبیر انقلاب اسلامی از میان سخنان بسیار ایشان در این حوزه‌ها اشاره می‌نمایم.

« باید ما، نه تنها ما، شرق باید، شرق که خودش را گم کرده، پیدا کند. این‌ها با تبلیغات خودشان ما را همچو غرب برگرداندند و غربزده کردند که همه چیز خودمان، همه‌ی مفاخر خودمان، یادمان رفت، برای خودمان دیگر چیزی قائل نیستیم..... (سخنرانی امام خمینی در جمع دانشجویان مدرسه‌ی عالی مفیدی، 58/8/7)

« اگر ما این وابستگی‌های معنوی را، این وابستگی‌هایی که جوان‌های ما را و دانشگاه ما را و همه چیز ما را به صورت غربی درآورده بود، این‌ها را برگردانیم به حال خودش، و پیدا کردیم خودمان را، می‌توانیم یک ملت مستقل باشیم و یک ملت آزاد باشیم..... » (سخنرانی امام خمینی در جمع بانوان فرهنگی، 58/6/22)

مسئله‌ی تحول علوم انسانی از آن‌جا ناشی می‌شود که مبانی فلسفی علوم انسانی غربی، با مبانی اندیشه‌ی اسلامی و فرهنگ اسلامی - ایرانی در تضاد و تعارض بوده و از سوی دیگر، ناظر بر شرایط و اوضاع اجتماعی و مشکلات جامعه‌ی ایران نبوده و به تبع آن کارآمدی لازم را نیز در بر نداشته است. در همین راستا یکی از مهم‌ترین تعارضات و تضادها، در نحوه‌ی نگرستن به انسان و به عبارتی انسان‌شناسی مکاتب

غربی با انسان شناسی اسلامی می باشد؛ و از آن جا که حوزه ی مباحث علوم انسانی پیرامون انسان و مقولات زندگی او بحث می نماید؛ لذا هر گونه جهت گیری نادرست و اشتباه و تفسیر ناروا از انسان، بر کل مباحث آن سایه می افکند. در همین راستا یکی از مقولات مهم و رشته ی پر اهمیت در علوم انسانی، حوزه ی تعلیم و تربیت می باشد. این رشته که ارتباط تنگاتنگی با انسان و زندگی او داشته، می تواند نقش و جایگاه ویژه ای در پرورش و زمینه سازی رشد انسان ها داشته باشد. طبیعتاً انسان شناسی که این رشته از آن تغذیه می نماید، باید انسان شناسی صحیح و مبتنی بر وحی، عقل و فطرت باشد؛ تا زمینه ساز تعالی و تکامل انسان و سوق دهنده ی او در مسیر و غایت هستی او باشد. در همین راستا یکی از بخش های مهمی که نظام تعلیم و تربیت براساس آن عمل می نماید، دلالت های تربیتی (اصول) می باشد. لذا در این پژوهش سعی شده تا ضمن تبیین و تحلیل انسان شناسی اسلامی، به استخراج اصول تربیتی از مبانی انسان شناسی اسلامی پرداخته شود.

بیان مسئله

با وقوع رنسانس، تحولاتی اساسی در زندگی مغرب زمین ایجاد شد. این تحولات، انکار اصول معنوی را در بر داشت و باعث شد انسان به عنوان موجودی آزاد که می تواند بر روی کره ی زمین به هر نحوی که می خواهد قدم نهد و خویشتن را در مقابل یک حقیقت ماوراءِ خود مسئول نداند، مطرح شود؛ وجودی که از خدا و عالم معنی منقطع شده است. این نهضت در دوره ی رنسانس به نهضت اومانیزم¹ یا انسان مداری تعبیر شد؛ و می توان آن را اصل و مبدأ جدایی تمدن غرب از تمدن های شرقی و دینی دانست. به عبارت دیگر، تا قبل از این دوره (عصر مسیحی و اسلامی)، فلسفه، هنر، عرفان و علم، رنگ «دینی» داشتند (فارغ از قضاوت و آسیب شناسی آن) و در مسیر رستگاری انسان به کار می آمدند. هم چنین در این دوران تعارض میان علوم وجود نداشت تا آن جا که رو به سوی دین داشتند. اما پس از قرن هفدهم، با حاکم شدن تفکر مدرن کانتی، فلسفه و علوم تحصیلی برتری یافتند و هم چنین دوران غلبه و تفوق علوم منفرد فرا رسید. به عبارتی می توان گفت جدایی فلسفه، هنر و علم از دین و تفکر معنوی، مهم ترین حادثه ی فکری دوره ی رنسانس محسوب می شود. در گذشته، فلسفه، هنر و علم از معنایی که دین از خدا، جهان و انسان صورت می بخشید، بهره می گرفتند؛ در حالی که در تحول جدید، تصور و فهمی صرفاً بشری مطرح گردید که فاقد ساحت معنوی بود و پیوند آدمی با عالم معنی گسسته و گویی فیض الهی از او منقطع شده است. (مددپور، 1386 الف: 36_37) به عبارت دیگر اساس هستی آدمی در عصر دین و میتولوژی، هستی حق بود، نه آن که بنیاد عالم وجود، خود او باشد. لذا در تمام دوره ی جدید، سخن دکارت اساس معرفت می

¹. Humanism

شود. فکر بشری و حکمت انسانی که با عقل جزئی و تفکر حسابگرایانه، با تبری از تفکر معنوی قدیم دینی، حاصل شده است، مدار سیطره و استیلای تکنیکی دوره ی جدید می گردد. (مددپور، 1386: 35)

با توجه به آن چه گفته شد، یکی از مقوله ها و حوزه هایی که تحت تأثیر فضای وصف شده قرار گرفت، مقوله ی انسان و حوزه ی علوم انسانی است. به عبارت دیگر «علوم انسانی موجود، محصول دورانی است که دنیای غرب با دین وداع کرده و خواسته است با عقل و تجربه ی خویش، جهان را مدیریت کند. در این دوران، مکاتب فلسفی مختلفی پدید آمدند و هر یک مبنای مختلفی را برای تعیین دیدگاه های خود برگزیدند و تحقیقات گسترده ای را سامان دادند. اما این علوم از بدو ورود به ایران، مورد تحقیق جدی و عمیق قرار نگرفتند و احاطه ی کافی بر مبنای فکری آن در بین اندیشمندان ایرانی حاصل نشد. لذا با شتابزدگی به تقلید [از] غرب پرداختند و نظام های آموزشی را بدون مطالعه ی اساسی و بدون سنجش با مبانی دینی و نیز مبانی فلسفی اسلام به ایران آوردند.» (حداد عادل، 1391: 232).

نکته ی قابل تأمل و توجه دیگر که ضرورت تحول در علوم انسانی را روشن می سازد، عدم سنخیت علوم انسانی موجود با فرهنگ و ارزش های جامعه ی ایرانی است. به عبارت کلی تر، با استیلای تمدن غربی، سایر جوامع من جمله عالم شرق و جامعه ی ما به واسطه ی برخی عوامل و شرایط (مانند: غفلت جوامع از سیر و چرخه ی تمدنی، عدم آشنایی و درک عمیق روشنفکران از تحولات و روح حاکم بر آن ها، ضعف درونی حکومت ها، استعمار و...)، تحت تأثیر این تحول و جریان قرار گرفتند، به نحوی که برخی از کشورها به کلی دستاوردها و رهاوردهای فرهنگی و تمدنی خویش را فراموش نموده و به پیروی و بعضاً تقلید از غرب پرداختند. (مددپور، 1386 و حداد عادل، 1391) لذا امروزه مسئله ی همسنخ سازی علوم انسانی با فرهنگ بومی در سایر جوامع غیر غربی نیز مطرح است تا از رهگذر آن به تولید نظریات و اندیشه

هایی در علوم انسانی دست یابند که به فراخور مسائل و مشکلات نظری و عملی آن جامعه، کارآمد و کارساز

باشد. این مسئله امروزه تحت عنوان مطالعات پسااستعماری مطرح می‌باشد. (موسوی و درودی، 1391)

نکته‌ی حائز اهمیت دیگر، جهان بینی مادی حاکم بر علوم انسانی غربی است که مبانی فلسفی و ایدئولوژیک آن با مبانی اسلامی سازگار نمی‌باشد. از سوی دیگر نگاه کمی - تجربی حاکم بر علوم انسانی غرب یا به عبارت دیگر گرایش‌های پوزیتیویستی افراطی، ضرورت توجه به بحث تحول در علوم انسانی را نشان می‌دهد.¹

در همین راستا، یکی از مهم‌ترین گام‌ها در فرایند تحول در علوم انسانی، تعیین مهم‌ترین موضوع‌های بنیادی در علوم انسانی از یک سو و تبیین این مفاهیم با تکیه بر مبانی اندیشه اسلامی و معارف دینی است. در همین جهت مهم‌ترین مفهوم که باید مورد نظر قرار گیرد، انسان است، که به عنوان موضوع محوری و بنیادی علوم انسانی مطرح است. به عبارت دیگر انسان‌شناسی، موضوع اصلی و محوری در علوم انسانی است و می‌توان آن را علمی دانست که مادر دیگر علوم انسانی است. این مفهوم در مبانی اندیشه‌ی اسلامی، مفهومی چندساحتی است، در حالی که در رهیافت علوم انسانی حاکم بر غرب، انسان موجودی تک‌ساحتی و مادی قلمداد می‌گردد. (میرزاپورارمکی، 1390) طبیعتاً بازنگری در مبانی انسان‌شناسی حاکم بر علوم انسانی، بر حوزه‌ی تعلیم و تربیت نیز اثر گذار خواهد بود. لذا با توجه به مطالب بالا و این که علوم انسانی موجود در جامعه‌ی ما، غالباً بر گرفته از مبانی فکری و منابع غربی می‌باشد، که خود این امر باعث ایجاد مسائلی برای جامعه از یک سو و شکاف بین مباحث و مسائل مطروحه در آن با نیازهای جامعه‌ی ایران از سوی دیگر

¹. برگرفته از مطالب آیت الله مصباح یزدی با عنوان «روند اسلامی سازی علوم انسانی از منظر علامه مصباح یزدی»، خرداد 1391

شده است ، سعی داریم تا در راستای تحوّل در علوم انسانی و اسلامی سازی آن ، به بررسی مبانی انسان شناسی اسلامی که خود شرط لازم و ضروری برای تحوّل می باشد پرداخته و به این سؤالات پاسخ دهیم که نگاه دینی به انسان (اسلامی) چه ویژگی ها و مؤلفه هایی دارد و تأثیر این انسان شناسی بر حوزه ی تعلیم و تربیت و دلالت های تربیتی مترتّب بر آن چه می باشد .

اهمیت و ضرورت تحقیق :

الف) اهمیت نظری

- 1- توسعه ی دانش نظری پیرامون انسان شناسی اسلامی
- 2- فراهم آوردن چهارچوب نظری لازم برای تحوّل در علوم انسانی با رویکرد بومی
- 3- فراهم آوردن و تدوین اصول مبتنی بر مبانی انسان شناسی اسلامی

ب) اهمیت عملی

- 1- کمک به سیاستگزاران ، دست اندرکاران ، کارشناسان و سایر افراد درگیر حوزه ی تحوّل در علوم

انسانی

- 2- ارائه ی راه کاری عملیاتی جهت تحوّل در علوم انسانی
- 3- ارائه ی اصولی کلی ، جامع و عمومی جهت کاربست در عرصه ی تعلیم و تربیت

هدف های تحقیق :

هدف کلی :

شناسایی و تبیین مبانی انسان شناسی اسلامی تحوّل در علوم انسانی و تأثیر آن بر حوزه ی تعلیم و تربیت .

اهداف جزئی :

1_ تبیین ضرورت تحول در علوم انسانی

2_ شناسایی و تحلیل ابعاد و مؤلفه های انسان شناسی اسلامی

3_ تبیین تأثیر انسان شناسی اسلامی بر دلالت های تربیتی

فرضیه ها یا سؤال های تحقیق :

1_ ضرورت تحوّل در علوم انسانی چیست ؟

2_ دیدگاه انسان شناسی اسلامی دارای چه ابعاد و مؤلفه هایی می باشد ؟

3_ چه دلالت های تربیتی (اصول تربیتی) را می توان از دیدگاه انسان شناسی اسلامی برداشت نمود ؟

تعریف عملیاتی متغیرهای تحقیق :

تعریف نظری:

مبانی : مبناها ، شالوده ها (انوری، 1381) ؛ مبانی جمع مبنا یا زیربنا ، ساخت پایه ای است که رو بناها بر آن استوارند .(فراهانی، 1378)

انسان : انسان موجودی مرکب از «طبیعت و ماوراء طبیعت، از ماده و معنی، از جسم و جان» می باشد .
(مطهری ، 1372)

انسان شناسی : هر شاخه از معرفت که به گونه ای به شناخت بعد و جنبه ای از انسان می پردازد ، در واقع به شناخت انسان مربوط می شود و انسان شناسی نامیده می شود .(واعظی، 1391) . انسان شناسی عبارت است از شناخت دقیق و جامع چیستی و هویت انسان . (خسروپناه و میرزایی ، 1389)

تحول : در لغت نامه تغییر به معنای از حالی به حال دیگر برگرداندن یا چیزی را به شکل و حالت دیگر در آوردن معنی شده است.(معمولا در جهت بهتر شدن چیزی) . (انوری، 1381)

علوم انسانی : علوم انسانی به معارفی اطلاق می شود که موضوع تحقیق آن ها ، فعالیت های مختلف بشر است ؛ یعنی فعالیت هایی که متضمن روابط افراد بشر با اشیاء و نیز آثار و نهادها و مناسبات ناشی از این ها است . (کاردان ، 1385 : 3) همچنین در تعریف دیگری ، علوم انسانی عبارت است از مجموعه گزاره های نظام مندی که با بهره گیری از روش های ترکیبی (تجربی و غیر تجربی) و مبانی غیر تجربی (عقلانی ،